

## سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دستگاه فکری و تحول آفرین

سخنرانی حجت‌الاسلام دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
در هجدهمین همایش سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

نقد تند شود. اینجا هم قصد اهانت نیست، بلکه لازمه گفت‌وگوی مدیریتی و علمی و یا بحث انتقادی همین است. اگر می‌بینید برخی از توقعات من بالا رفته، به جهت افزایش قابلیت‌های دفتر و همکاران عزیز است. یقیناً ما از یک کودک شش ساله هرگز انتظار دویدن در یک مسابقه بزرگ را نداریم، ولی از یک ورزشکار با استعداد حتماً انتظار داریم که خوب بدود و حتی برنده مسابقه هم بشود.

### ماه رجب، ماه دعا و نزول رحمت

عرضم را مثل همیشه به مناسبت این روزها که در آن هستیم، ادامه می‌دهم. نخست چند جمله‌ای می‌گویم تا وظیفه طلبگی خودم را ادا کرده باشم. ماه رجب است، ماه دعا و ماه نزول رحمت و برکت است. در این ماه مناسبت‌های بسیار خجسته‌ای وجود دارند که بخشی از آن را پشت سر گذاشتیم؛ مثل میلاد امام باقر و امام جواد (ع).

خداوند را شکر می‌کنم که به من توفیق داد، در جمع همکاران عزیزم حاضر شوم. بهترین درودها و سلام‌های خودمان را تقدیم می‌کنیم به روح بلند و ملکوتی امام‌راحل. یاد و نام شهیدان را گرامی می‌داریم و برای مقام معظم رهبری، همان که امروز میراث‌دار شهیدان و قوام بخش راه امام است، آرزوی عمر طولانی و صحت داریم. ما هر چه داریم از التفات و نظر آن، به قول حافظ، «یار غایب از نظر» است که به ما توجه دارد و همه ما روزی خوار او هستیم؛ یعنی نعمت وجود امام غایب، حضرت حجت (عج). پس او را سلام می‌دهیم و می‌گوییم: «السلام علی المهدی، الذی وعدالله به الامم أن یجمع به الکلم و ینم به الشعث و یملاً به الارض عدلاً و قسطاً و ینجز به وعد المومنین».

تشرک می‌کنم از همه همکاران، که این مجلس را فراهم آوردند. البته عرایض من گاهی شاید جنبه مزاح داشته باشد، ولی قصد جسارت نیست. گاهی شاید صدایم به



بگیرد. این ماه را ماه اصابت رحمت دانسته‌اند. بزرگان، اهل دل و اهل کمال گفته‌اند اگر کسی به جایی رسید، از رجب رسید. مرحوم **حجت‌الاسلام شفتی** فرموده است: هر کس به جایی رسید، از سکوی رجب رسیده است. در نیمه‌های شب رجب یک نیایش و دو رکعت نماز می‌تواند انسان را خیلی موفق بدارد. در تعبیر خود من رجب «ماه کیسه‌کشی» است! یعنی ماه خاص تمیز شدن و پاک و تزکیه شدن. کیسه‌کشی ایام عبادی سال، ماه رجب است. انسان می‌تواند استغفار کند و تمیز شود. ماه شعبان ماه تزئین و آراستگی است.

یکی از موارد دیگر این ماه، ولادت خجسته حضرت امیر است که نانوشته و ناخواسته و غیررسمی خودش را تحمیل کرده بر ما به عنوان روز پدر. لابد می‌دانید که در مورد ولادت **حضرت زهرا**، «شورای عالی انقلاب فرهنگی» مصوبه داده است که روز زن این روز باشد. اما روز پدر به تصویب نرسیده است و مردم خودشان این روز را روز پدر دانسته‌اند. معلوم شد که اقبال عمومی می‌تواند چیزی را قالب کند. انصافاً هم ولادت حضرت امیر می‌تواند الهام‌بخش همین معنا باشد؛ به‌خصوص، با توجه به این فرمایشی که حضرت رسول دارد: «انا و علیّ ابوا هذه الامه»؛ یعنی «من و علی دو پدر این امت هستیم».

برای اینکه من منتقل شوم به این جلسه، جمله‌ای از کلمات نورانی حضرت امیر (ع) را عرض می‌کنم و سپس وارد بحث می‌شوم. حضرت امیر (ع) در نامه‌ای در نهج‌البلاغه خطاب به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «عینونی یورع و اجتهاد و عفت و سداد». این البته انتقادی است که از کارگزار خود می‌کند. آن کارگزار فرماندار بصره بوده که به یک مهمانی دعوت شده است و بدون آنکه اطراف این دعوت را بسنجد، بدون تأنی می‌رود. کارگزاران مخفی اطلاعاتی امام هم به ایشان گزارش می‌دهند که فرماندار بصره به فلان عروسی

برخی از روزهای مبارک را هم پیش رو داریم: ولادت خجسته **حضرت امیر (ع)** و مبعث انسان‌ساز و تمدن‌ساز پیامبر بزرگ اسلام که صلوات خدا بر او و خاندان پاک او باد. ماه رجب علاوه بر این مناسبت‌ها و زینت‌هایی که در خود دارد، خودش هم یک مناسبت است. ماه رجب در فرهنگ دینی ما، مخصوصاً در آیین ابراهیمی، از ماه‌هایی است که حرمت دارد و عرب جاهلی هم این حرمت را، به احترامی که حضرت ابراهیم بر این ماه و سه ماه دیگر نهاد، رعایت می‌کرده است.

ماه‌های حرام حرمت و احترام ویژه دارند. در برخی از روایت‌ها داریم که در این ماه‌ها فرصت و شرایط بسیار مهیاست برای ایجاد ارتباط با خداوند متعال. این ماه را ماه مغفرت، ماه استغفار و ماه بخشش نام نهاده‌اند. ماه مغفرت گفته‌اند به این معنا که انسان تحت پوششی قرار می‌گیرد که تیرهای زهرآگین گناه بر او اثر نکند و شفا



مبنای کارهای ما در سازمان پژوهش باید این باشد که باور کنیم سازمان یک دستگاه فکری و تحول آفرین در مجموعه تعلیم و تربیت کشور است. نقش سازمان پژوهش در آموزش و پرورش نقش کم نظیری است

پاکدامنی، سفیدی، عقیف بودن یعنی الگو بودن، یعنی نه تنها از حرام و خلاف شرع اجتناب کردن، بلکه از خلاف شأن هم اجتناب کردن.

چهارمین مورد «سداد» است. پرکاری کنید، اما پرکاری تان به نیک کاری منجر شود. باید نیک و محکم عمل کنید. سداد یعنی کار محکم. اجتهاد باید همراه با سداد باشد. اگر زیاد دویدن همراه با سداد نباشد، اتلاف منابع است. ما اگر می خواهیم امیرالمؤمنین

را یاری کنیم باید ورع، اجتهاد، عفت و سداد داشته باشیم. اگر این کار را کردیم، از فیض رجب، شعبان و رمضان بهره مند خواهیم شد.

من این چند نکته را هم عرض می کنم: اولاً این سال نامه رشد را که دفتر چاپ کرده است، ورقی بزنید. ما در سال گذشته چند جشنواره برگزار کردیم. آن حرفها را مرور کنیم. من حرفهای خودم و فرمایشات دوستان را خواندم. بعضی از آنها هنوز هم تازگی دارد. به قول خواجه شیراز: یک نکته بیش نیست غم عشق وین عجب کز هر زبان که می شنوم نامکرر است

### سازمان، یک دستگاه فکری و تحول آفرین

من مصاحبه های خودم را که مرور می کردم، دیدم بعضی از حرفهایی که زده ام در همه مجلات هست. یک توصیه هم عموماً عرض می کنم و آن این است که مبنای کارهای ما در سازمان پژوهش باید این باشد که باور کنیم سازمان یک دستگاه فکری و تحول آفرین در مجموعه تعلیم و تربیت کشور است. نقش سازمان پژوهش در آموزش و پرورش نقش کم نظیری است. من خودم و شما را ثروتمندترین آدمها در کشور می دانم. ثروتمند کسی است که افکار مردم

رفت و وضع آن عروسی را شرح می دهند. حضرت هم نامه تندی به او می نویسد و در جایی از آن می فرماید: شما باید الگویتان من باشم. امام شما که من هستم، در زندگی دنیوی اش به دو لباس، و در طعام خود به دو قرص نان روزانه اکتفا کرده است. بعد می فرماید می دانم که شما قادر به این کار نیستید، اما: «عینونی بورع و اجتهاد و عفت و سداد»؛ یعنی مرا کمک کنید با پرهیزگاری و آلوده نشدن به حرامها.

در یک جامعه سالم اخلاقی، حاکمیت در راحتی است. اگر جامعه آلوده باشد، حکومت و ارکان نظام حاکم هم دچار گرفتاری می شوند. ورع به معنای پرهیز است؛ پرهیز از گناه و آلودگی. بهترین کارها هم همین است. گناهها هم نسبت به آدمها متفاوت است. «حسناات الابرار سیئات المقربین». شاید چیزی برای دانش آموز حسن باشد و برای استاد قبح. قباح و زشتی گناه دارای مراتبی است. بنده اگر مثلاً صد هزار تومان انفاق کنم، می گویند آقای محمدیان خیلی دست و دل باز است. اما یک نفر اگر تاجر باشد، برای او زشت است که این مقدار کمک کند. برای من حسن است و برای او زشت. اینها همه مهم است. خطا کردن برای همه نیست. پس اولین کار «ورع» است؛ یعنی پرهیز از حرام.

حضرت فرمود دومین کمکی که می توانید به من کنید این است که «اجتهاد» داشته باشید. اجتهاد یعنی نهایت فکر و تلاش را به کار بستن. مجتهد کسی نیست که لغت نامه را باز کند و معنای لغت را از آن بیابد. بسیاری از آدمهایی که امروز مقاله می نویسند، از ویکی پدیا استفاده می کنند. در خیلی کارهای دیگر هم همین طور است. سومین نکته که حضرت فرمود، «عفت» است. عفت یعنی



دستش باشد. وقتی شما در این سازمان برای ۱۳ میلیون دانش آموز، ۱۳۰ میلیون نسخه کتاب و ۴۰ میلیون مجله تولید می کنید و دانش می پراکنید، آیا ثروتمندترین آدم نیستید؟ ما دانش تولید و توزیع می کنیم و نقش بی بدیلی داریم. اینها را باید باور داشته باشیم.

وظیفه ما به عنوان این دستگاه، دمیدن روح دینی، علمی و ملی در مخاطبان است. ما وظیفه داریم که این روح را در نسل آینده بدمیم و به خودمان هویت دینی، ملی، انقلابی و علمی بدهیم.

این لایه های هویتی در دانش آموز ما باید بارور شود و توسعه پیدا کند. باید گرایش های آنها را نسبت به دیانت، ملیت

و انقلاب ارتقا دهیم. مجموعه تلاش های ما باید به این ثمره منجر شود. صیانت فکری نسل آینده و آشنایی با اهداف انقلاب و آرمان های امام باید جزء لاینفک فعالیت های ما باشد. ما هر سلیقه ای که داریم، بر سفره جمهوری اسلامی نشسته ایم. لذا باید در برابر هجمه ها و تهدیدها نسل جوان را صیانت کنیم.

نسل آینده ما باید به ایرانی بودن خود افتخار کند. به مسلمان بودن خود مفتخر باشد؛ به انقلابی بودن خودش ببالد. به اینکه دانش آموز است و می آموزد، علاقه مند باشد. این را باید مجموعه کارکنان سازمان پژوهش و وظیفه خود بدانند.

### اعمال سلیقه فردی جایز نیست

حرف دیگر من این است که اعمال سلیقه فردی جایز نیست. آدم فرهنگی باید رنگ نپذیرد و مارک نخورد. ما فرزند برهانییم. اگر حرفی مبتنی بر برهان باشد، قبول می کنیم.

مجلات باید مخاطب خود را تعیین کنند. تفاوت مجلات معلم با دانش آموز چیست؟ یکی از چیزهایی که در مجلات معلمان باید به آن توجه کنیم، این است که با توجه به الگوی برنامه درسی ملی تغییرات را اعمال کنیم. در برنامه درسی ملی، معلم انتقال دهنده مطلب نیست، نقش تولیدکننده محتوا را دارد

کوه های بلند دره های عمیقی دارند. لذا گروه گرایی در یک مسئولیت اجتماعی ملی و فراملی جایز نیست. ما در مجله، کتاب درسی و کار گروهی نباید به هم نان قرض بدهیم. چون نان برای ما نیست که بخواهیم قرض بدهیم. مطلب بعدی این است که در مجلات، یعنی مهم ترین تولیدات سازمان، لازم است به اصولی که عرض می کنم توجه کنید. به اعتقاد من همه اعتقادات یک ملت در آموزش و پرورش متجلی می شود. آموزش و پرورش ترجمان اصول اسلام، ایران و انقلاب است. بچه های ما چنان که ما آرزو می کنیم بزرگ نمی شوند، بلکه چنان که ما زندگی می کنیم بزرگ می شوند. توجه کنیم که خوب زندگی کنیم. بچه ها باید حداقل بدانند که والدینشان، معلمشان و استادهايشان آرزو دارند که این چنین باشند.

ما برای بچه هایمان نمی نویسیم. برای ساختن آینده می نویسیم. نه اینکه می نویسیم برای حق التألیف! تألیفات سازمان باید مقید به اهداف تعلیم و تربیت و برنامه درسی باشند. آنچه که ما الان در آن قرار گرفته ایم، گفتمان غالب ماست. ما باید در مجموعه سازمان پژوهش به این گفتمان غالب توجه کنیم و آن، «تحول» است. وضع آموزش و پرورش ما رو به بهبود است، اما بهینه نیست. فلذا نباید قصه های گذشته را ساز کنیم. بعضی از مدیران و کارشناسان قصه های گذشته را دوباره بازگو می کنند. فکر و اندیشه تولید نمی کنند و جریان جدید نمی سازند. ما باید جریان جدید بسازیم؛ البته ذیل اصولی که داریم. مضامین، مفاهیم، روش ها، منش ها، کنش ها، همه باید رو به تحول باشند. من هر مجله ای که به دستم می رسد، به دقت ورق



ما وظیفه داریم که  
این روح را در نسل  
آینده بدمیم و به  
خودمان هویت دینی،  
ملی، انقلابی و علمی  
بدهیم. این لایه‌های  
هویتی در دانش‌آموز  
ما باید بارور شود و  
توسعه پیدا کند. باید  
گرایش‌های آن‌ها را  
نسبت به دیانت، ملیت  
و انقلاب ارتقا دهیم

را دارد. معلم یعنی «راهبر آموزشی» و «الگوی تربیتی» کلاس. ما فضاهای متنوع آموزشی را در برنامه درسی ملی پیش‌بینی کرده‌ایم. دانش‌آموز گاهی نیاز دارد بیرون از کلاس یاد بگیرد. معلم باید جرئت، جسارت و اختیار این کار را داشته باشد. معلم باید برای اداره کلاس توانمند باشد.

همه ما می‌گوییم امکانات بدهید تا کار کنیم، درحالی‌که مدیر تحول‌گرا امکانات خلق می‌کند، نه اینکه اسیر محدودیت‌ها شود. محدودیت‌ها نباید مانع پرواز ما باشد؛ البته به شرطی که برنامه مطابق با واقع داشته باشیم، نه رویا و خیال. وهم با عقل تفاوت دارد. بعضی‌ها در اوهام به سر می‌برند. تعقل و توهم یکی نیست، همچنان‌که عشق و هوس یکی نیست. عشق عقلانیت محض است و هوس غریزه محض. غریزه تمام می‌شود، اما فطرت همیشه باقی است. لذا زندگی‌های مبتنی بر عشق بارور و متعالی هستند و عشق‌های مبتنی بر هوس رو به افول و خاموشی دارند. اگر هم می‌ماند اجباری می‌ماند.

### رهبران پیشرو

نکته دیگر این است که اگر بخواهیم به این کمال برسیم، باید رهبران پیشرو داشته باشیم. شوراهای سردبیری و شوراهای تحریریه شما باید کمی جلوتر از زمان حرکت کنند. باید خودترمیمی داشته باشید. مثل دیروز فکر نکنید. کمی تغییر کنید. از دکور گرفته تا فرم گرفته تا محتوا.

پاتولوژیست‌ها می‌گویند درمان خوب مبتنی بر آسیب‌شناسی است. ما باید آسیب‌شناسی کنیم. باید از مخاطب‌ها بازخورد بگیریم. نکته دیگر این است که من در

می‌زنم. ما باید خودمان درباره مجموعه فکر کنیم. «شورای دفتر» باید مجلات را هم‌گرا کند و خودش هم ناظر باشد که ببیند این اصول اتفاق می‌افتد یا نه.

نکته دیگر این است که مطالب مجله‌ها باید متقن، محکم و دارای اعتبار باشند. این در مورد کتاب درسی هم با ضریب بیشتری صدق می‌کند. یکی از توصیه‌هایی که مقام معظم رهبری چند سال قبل به ما کردند، این بود که کتاب درسی باید دارای اعتبار علمی بالایی باشد. سخیف‌نویسی نباید باشد. در گونه‌ها و ژانرهای متفاوت ادبی باید

مواظب باشیم. مطالب باید تولیدی، بدیع و نوآورانه باشند. مطلب وام‌گرفته از دیگران، تکراری، ترجمه‌ای و کپی شده شایسته تولیدات سازمان نیست. این موضوع کمابیش بین ما هنوز وجود دارد. باید سهم قائل شویم برای تولید و ترجمه. من شخصاً انسان مغروری نیستم، اما غرور سازمانی دارم. من اجازه نمی‌دهم کسی به سازمان پژوهش توهین کند. از این طرف هم دوست ندارم ایرادی در کار باشد. اگر تولید نظریه نمی‌کنیم، نقد و داوری کنیم. چشم‌بسته نظریه‌های مختلف را ترجمه نکنیم.

### مجلات باید مخاطب خود را تعیین کنند

حرف دیگرم این است که مطالبی را مطرح کنیم که دارای اولویت هستند. ما برای مخاطب می‌نویسیم. مجلات باید مخاطب خود را تعیین کنند. تفاوت مجلات معلم با دانش‌آموز چیست؟ یکی از چیزهایی که در مجلات معلمان باید به آن توجه کنیم، این است که با توجه به الگوی برنامه درسی ملی تغییرات را اعمال کنیم. در برنامه درسی ملی، معلم انتقال‌دهنده مطلب نیست، نقش تولیدکننده محتوا



اما مجله‌ها نباید این‌گونه باشند. مجله‌ها برای کل ایران‌اند. ما در کتاب درسی محدودیت داریم و شما باید برخی از این محدودیت‌ها را توسعه دهید. یکی از فکری‌هایی که من دارم این است که زبان‌های اقوام گوناگون ایرانی را آموزش دهیم. این‌ها باید با هم داد و ستد داشته باشند. مجله برای تقویت هویت ملی و اسلامی ماست. باید به زبان اقوام حرمت بگذاریم و زبان فارسی را به رسمیت بشناسیم. پس کتاب‌های درسی اگر پایتخت‌زده هستند، مجلات باید ایرانی باشند.

مجلات از تکرار اسم مؤلفان و نویسندگان ناراحت می‌شوم. این‌ها اصل نوآوری و تولید مغایرت دارد. تولیدات علمی مجله باید متنوع باشند. به این موضوع توجه کنید. همچنین، بعضی از مصاحبه‌ها سست‌اند و اولویت ندارند. عموماً زبان فارسی برای ما میراث است. در نوشتن زبان فارسی دقت کنیم، مخصوصاً در برگردان‌ها و برابر نهادهای زبان فارسی.

نکته دیگر زیبانویسی و رعایت رسم الخط مصوب فرهنگستان است. نکته دیگر تفاوت شما با کتاب‌های درسی در این زمینه است. کتاب‌های درسی دچار پایتخت‌زدگی هستند،



## انتشارات مدرسه و سامان بخشی

یکی هم فرصت «انتشارات مدرسه» و «سامان بخشی کتاب» است. مجلات باید از فرصت استفاده کنند و به این امر کمک کنند. مجلات می‌توانند گزینه‌های بهترشان را که تاریخ مصرف ندارند، به کتاب تبدیل کنند. انتشارات مدرسه باید از یک طرف تولیدات ماندگار مجلات را کتاب کند و از طرف دیگر سفارش سامان بخشی و مجلات را مورد توجه قرار دهد. مجلات علوم پایه ما

عموماً مجلات خوبی هستند. من تشکر می‌کنم. ما به دنبال تقویت مبانی دینی هستیم. علوم باید مبانی دینی را تقویت کنند. جنس این مجلات قوی است. ویرایش خوبی دارند. نکته دیگر در حوزه ادبیات و هنر است. در این حوزه می‌کوشیم که بحث‌های ادبی و هنری ما واجد هویت و ارزش‌های ملی و دینی ما باشند. برخی از مجلات این ویژگی را دارند و بعضی ندارند. مجله، ژورنال است و باید به مناسبت‌ها توجه کند. گاهی به مناسبت‌ها توجه نمی‌شود. البته برخی از مجلات دانش‌آموزی این کار را کرده‌اند. برخی از مجلات از نظر مخاطب دارای ایهام هستند. مخاطب مجله رشد آموزش مشاور مدرسه، مجله رشد آموزش پیش‌دبستانی و مجله رشد مدرسه فردا کیست؟ موضوعشان چیست؟ من هنوز هم در مدیریت مدرسه و مدرسه فردا تردید دارم. نظر مخاطب را در این مورد جویا شوید. من الان حکمی نمی‌کنم، اما تردید خودم را به شما اعلام می‌کنم.

مجله نباید تریبون تبلیغ باشد، بلکه باید منبر تبیین باشد. از بعضی از مجلات تشکر می‌کنم؛ مثل مجله رشد آموزش فیزیک. آیا خانواده‌ها مجله رشد آموزش پیش‌دبستانی را می‌خوانند؟ ببینید وزن آن چقدر است. این مجله درباره

دانش‌آموزان است. ببینید چقدر خانواده‌ها آن را مطالعه می‌کنند.

مجله برای تقویت هویت ملی و اسلامی ماست. باید به زبان اقوام حرمت بگذاریم و زبان فارسی را به رسمیت بشناسیم. پس کتاب‌های درسی اگر پایتخت‌زده هستند، مجلات باید ایرانی باشند

## تولید فرهنگی و بازار مصرف

در پایان سه مطلب مهم دیگر را مطرح می‌کنم: یکی بحث تولید مجله در حد نصاب است. همان‌طور که تولید فرهنگی می‌کنیم، باید بازار مصرف را هم ایجاد کنیم. تعداد ۱۰ هزار مجله برای یک پایه امر معقولی نیست. ما باید هدف‌گذاری کنیم به تعداد یک دهم

مخاطبان.

نکته دوم توجه به جوهر مجلات است. یکی از بحث‌های جوهری مجله بحث «اقتصاد مقاومتی» است. اقتصاد مقاومتی امر مهمی برای ماست. دانش‌آموز در سبد هزینه خانوار اثرگذار است. بخشی از هزینه‌های ما تابع مد شده است. این نگرش باید اصلاح شود. توجه به مارک در بچه‌ها زیاد است. بخشی از هزینه‌های خانوار برای مارک می‌رود. این موضوع هم باید اصلاح شود. ما باید برای اصلاح مواضع غلط، روش‌های بهینه انتخاب کنیم. مهم‌تر از این موضوع، «هویت انقلابی» است که همه باید به آن توجه داشته باشیم.





